

وصف طبیعت در قرآن و اشعار منوچهری دامغانی

غلام ابراهیم زاده*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۹

احمد میرگل**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۸

چکیده

هدف کلی از پژوهش حاضر، بیان اهمیت طبیعت و تأثیر مثبت آن بر زندگی موجودات زنده در قرآن و اشعار شاعر طبیعت منوچهری دامغانی می‌باشد. نشانه‌های موجود در طبیعت ما را به سوی معمار هستی راهنمایی می‌کند و قرآن از آن به توحیدشناسی یاد می‌کند. از طرفی عمر شعر در خصوص طبیعت به درازای عمر خلقت جهان است. بارها و بارها پیش آمده که ما از کنار مظاهر هستی و طبیعی می‌گذریم و هیچ احساسی نسبت به آن نداریم ولی شاعر، نقاش و یا نویسنده وقتی چنین منظره‌ای را می‌بیند تصویری متفاوت از برداشت ما در ذهن او حک می‌شود. منوچهری یکی از بزرگ‌ترین و نام‌آورترین شاعران طبیعت‌گرا در ادبیات فارسی هست. طبیعت از زمان‌های دور سرلوحه کار شاعران با هر زبان و گویشی بوده و دارای جایگاهی رفیع در سروده‌ها داشته، به نحوی که کم‌تر شاعر و دیوانی را می‌توان یافت که بخشی از اشعار آن درباره طبیعت نباشد. آدمی‌زاده در طول عمر خود با نگاهی متفاوت به طبیعت می‌نگرد و تصویری از آن را در تابلوی ذهن نقاشی می‌کند. از نکات مشترک تمام ادیان الهی، به‌ها دادن به طبیعت بوده و ادیان توحیدی نیز با استفاده از ارکان طبیعت آموزه‌های خود را منتقل نموده‌اند. پژوهش از نوع نظری و روش آن توصیفی مقایسه‌ای است که برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌گان: خداوند، طبیعت، زمین، گیاهان، باران.

Ebrahimzadeh.84@chmail.ir

* کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی، مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای زابل.

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز زابل.

mirgolahmad@yahoo.com

نویسنده مسئول: غلام ابراهیم زاده

مقدمه

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهر دامغانی از جمله شعرای بزرگ ایران در اوایل قرن پنجم هجری قمری است. کودکی وی در دامغان گذشت، و بخشی از جوانی او در کناره‌های دریای خزر و دامنه‌های البرز به سر آمد. وی به زبان عربی و فارسی تسلط عالی داشت و سرآمد شاعران فارسی در وصف طبیعت است. وی در سال ۴۳۲ هجری قمری، در حالی که ۳۴ سال داشت درگذشت و به قولی کم سن ولی پر فضل.

تخلص "منوچهری" به سبب انتساب شاعر به فلک المعالی منوچهر بن شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی که در گرگان و طبرستان سلطنت می‌کرده و منوچهری ظاهراً در آغاز کار در دربار او به سر می‌برده است (صفا، ۱۳۷۱: ۵۸۱).

منوچهری دامغانی بی شک یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شعرای طبیعت در ادبیات فارسی و عربی به شمار می‌رود، به گونه‌ای که نام وی همواره با وصف‌ها و تصاویر خلاق و شگفت‌انگیز از طبیعت همراه است، تصاویری که تا کنون برخی از آن‌ها نظیری نیافته است. وی در ایرادات تشبیهات و ترکیبات تشبیهی و استعاری مهارتی عجیب دارد. مهارت‌اش در وصف شایسته تحسین است و او مناظر مختلف طبیعت را از بیابان و کوه و جنگل و گلزار و آسمان و ابر و باران تا موجودات گوناگون دیگر برای توصیف در قصائد خود برگزیده و از عهده توصیف و تجسم آن‌ها به بهترین وجه برآمده است (صفا، ۱۳۷۹: ۱۳۹). از طرفی در قرآن کریم بیش از ۱۲۰۰ آیه (یک ششم آیات) درباره طبیعت، مصادیق، مظاهر و زیبایی‌های آن آمده است به گونه‌ای که با دقت و مطالعه در آیات وحیانی قرآن می‌توان طبیعت را در چهار موضوع اصلی ۱- طبیعت زمینی ۲- طبیعت آسمانی (کرات، کهکشان‌ها و طبقات) ۳- طبیعت برزخی ۴- بهشتی ۵- طبیعت دوزخی دسته بندی کرد که انسان را به مطالعه و تفکر در این تابلوی بزرگ و رنگارنگ نقاش چیره دست آفرینش هستی (خداوند) دعوت می‌کند تا اولاً نسبت به خالق طبیعت زیبا و روح افزا سپاسگزار باشد نه گردنکش و متکبر و ثانیاً انسان باید بداند که در این تابلوی پر رمز و راز هستی، راه‌های زیادی برای خداشناسی وجود دارد. در قرآن بیش از ۴۵۰ آیه درباره زمین، ۵۰۰ آیه درباره آب و حدود ۱۰۰ آیه درباره بهار، و ۱۵۰ آیه درباره حیوانات، درختان و گیاهان در قرآن آمده است. آنچه از مطالعه قرآن باید بدانیم، این

است که طبیعت چه اهمیتی دارد و چه زیبایی‌هایی در آن وجود دارد و نیز به چه نحو از آن استفاده کنیم و از همه مهم‌تر اینکه توجه داشته باشیم همه نعمت‌های خداوند بر موجودات خاصه نوع بشر می‌باشد، و تلاش کنیم از این نعمت‌های خدادادی درست و بجا استفاده کنیم و جزو مسرفان نباشیم که خداوند نیز فرموده این گروه (مسرفان) برادران شیطان‌اند. خداوند در جای جای قرآن از رام کردن تمام آسمان‌ها، کرات و زمین و آنچه در بین آن‌هاست برای انسان خبر می‌دهد:

﴿وَسَخَّرْنَا لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرْنَا لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ (ابراهیم/۳۳)

«و (خداوند) خورشید و ماه را که دائماً در حرکت هستند، برای شما رام نمود و نیز شب و روز را برای شما مسخر نمود»

خورشید، منبع عظیم تولید انرژی است که تا پایان عمرش در حال فعالیت می‌باشد. این نیروگاه خداوندی تا مدت زمان حیات نیاز به بازسازی ندارد. اگر خورشید نبود حیات برای انسان و سایر موجودات از جمله گیاهان و حیوانات غیر ممکن می‌شد.

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

ذِكْرًا لِلَّهِ رَبِّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾ (فاطر/۱۳)

«(شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب داخل می‌کند) از یکی می‌کاهد و به دیگری می‌افزاید) و خورشید و ماه را رام و مسخر نمود، هر یک از آن‌ها برای مدتی معین در حرکت‌اند. این است خداوند پروردگار شما، فرمانروایی مخصوص اوست. و کسانی که به جای او می‌خوانید مالک پوست هسته خرمائی نیستند»

«منوچهری شاعر طبیعت، شاعر عشق و شراب و زندگی نیز هست» (زرین کوب، ۱۳۴۷: ۵۷). روح حساس و هنرمندانه او در برخورد با زیبایی‌ها و تازگی‌های طبیعت آمیزگاری خاص می‌یابد. او با قدرت ابتکار به ادراک طبیعت می‌پردازد. ظرافت طبع او تا جایی است که وقتی دور از چشم رقیبان باده می‌نوشد، لب خود را با سنمبرگ‌ها و گلبرگ‌ها پاک می‌کند. در این خصوص منوچهری می‌سراید:

خیز روی تا مجلس، زی سبزه بریم تا به دو دست و به دو پای بنفشه سپریم
چون قدح گیریم از چرخ دو بیتی نشنویم به سنمبرگ چو می‌خورده شود لب ستریم

خیزید و خز آید که هنگام خزان است بادِ خنک از جانب خوارزم روان است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ روانست گویی به مَثَل پیرهن رنکرزانست
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۳۶)

و نیز در جایی دیگر این شاعر طبیعت‌گرا می‌سراید که:

تو گویی به باغ اندرون روز برف صَفِ نار بون وصفِ عَرَعَران
شده آبگیران فِسُرده ز یخ چنان کوسِ روئین اسکندران
(همان: ۱۱۶)

او با راه و روش زندگی کردن با ابر، باغ، مرغ، آواز بلبلان، چهچهه قناری‌ها، شُرُشُر آبشارها، جویبارها و موج‌های پیل‌تن دریا آشنایی دارد (همان: ۶۸). / امام علی (ع) نیز در این باب می‌فرماید: «خدایا، ما را با ابرهای رام سیراب کن، نه با ابرهای سرکش» (دشتی، حکمت ۴۷۲: ۵۳۱). همچنین / امام سجاد (ع) می‌فرماید: «خدایا ما را به وسیله باران سیراب گردان، بارانی فراوان، با برکات پیوسته، و تند و سریع و شتابان، تا هر چه مرده است را زنده نمایی، ابر فشرده، کام‌بخش، گوارا، فراگیرنده و خروشان که باران‌اش دائمی باشد، خدایا، بر ما بارانی بفرست که از تپه‌ها جاری شود، و چاه‌ها لبریز گردد، و نهرها روان شود و درختان را برویانی، بارانی برطرف کننده خشکسالی، رویاننده گیاهان، سبزکننده دشت» (عرب، ۱۳۸۸: ۱۲۵، ۱۲۷).

پیشینه تحقیق

عموزاده مهدیرجی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی وصف طبیعت در اشعار ابن خفاجه و منوچهری» به جایگاه و اثر اشعار منوچهری در طبیعت‌گرایی شعرای معروب و ایرانی اشاره داشتند و به شگفتی منوچهری از طبیعت پرداختند و مطرح نمودند که وی به ترسیم تصاویری از وصف طبیعت با توجه به نشانه‌های آفرینش خالق هستی داشتند. ظریفی و رحیمی در تحقیقی با موضوع «مقایسه وصف طبیعت در اشعار منوچهری و سعدی» در سال ۱۳۹۲ مطرح کردند که منوچهری شاعری است که در اشعارش از عناصر طبیعت بیش‌تر به استعاره و تشبیه نظر داشته است. ذاکری نیز پژوهشی در سال ۱۳۹۰ تحت عنوان «رازهای طبیعت در

قرآن انجام داده و به نقش قرآن در رمزگشایی اسرار و عجایب خلقت از جمله خلقت شگفت انگیز گیاهان، جانوران، کوه‌ها، آب‌ها، اقیانوس‌ها، اجرام آسمانی و نقش و تأثیر آن‌ها در زندگی بشر و سایر موجودات زنده اشاره نموده و برای هر مورد نیز شاهدی از آیات قرآن آورده است. همچنین کریمی و شکری زاده در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «قرآن و طبیعت» اشاره داشتند که یکی از دانش‌هایی که قرآن درباره آن مطالب و پیام‌های ارزشمندی در اختیار بشر قرار می‌دهد درباره گیاهان یا علم گیاه‌شناسی است. به گونه‌ای که خداوند در قرآن نقش گیاهان در زندگی سایر جانداران از جمله انسان و حیوانات مهم و حیاتی و آن‌ها را نعمت‌های پاک، طیب و مقدس دانسته تا جایی که به بعضی از آن‌ها قَسَم نیز یاد می‌کند، مانند زیتون و انجیر. خادمی نیز در سال ۱۳۸۷ پژوهشی تحت عنوان «بررسی جایگاه طبیعت در اشعار منوچهری، نیما یوشیج، سهراب سپهری و حافظ» انجام داده است که نتایج‌اش حاکی از آن است که طبیعت در طول تاریخ همیشه زادگاه و خاستگاه هنر بوده و خواهد بود. وی در این پژوهش کوشیده تا جایگاه، اهمیت و نقش طبیعت را برای ادامه بشر و بقیه موجودات زنده تبیین کند. در پژوهش دیگری نیز مجیدی و شیخه در سال ۱۳۹۴ با موضوع وصف طبیعت در دیوان ابن رومی و منوچهری مطرح کردند که منوچهری با وصف زیبا از بیابان‌هایی که دیده و همچنین بی پروا بودن در بکارگیری برخی کلمات و متکلف‌تر بودن الفاظ راسخ بوده است.

طبیعت در قرآن

امروزه علم پزشکی یکی از راه‌های جلوگیری و درمان بیماری‌های روحی و روانی را مسافرت و تغییر آب و هوا می‌داند. خداوند در قرآن، انسان را به سیر و سفر، گردش و تفریح در طبیعت فرا می‌خواند و فواید آن را چنین ذکر می‌کند: ۱. تقویت حس خداشناسی ۲. آشنایی با فرهنگ‌ها و اقوام و ملل مختلف در طول تاریخ ۳. آشنایی با مهندسی بی نظیر خداوند در آفرینش.

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (عنکبوت/ ۲۰)

«که سفر کنید و در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرده؛ سپس باز او جهان دیگری را پدید می‌آورد. خداست که بر هر چیز تواناست»

پیدایش حیات در زمین و اهمیت آب

در قرآن ۵۰۰ آیه درباره آب وجود دارد که در این آیات خداوند چگونگی آفرینش موجودات زنده و کل خلقت را بیان می‌کند:

﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا...﴾ (انبیاء/ ۳۰)

«هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم»

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...﴾ (هود/ ۷)

«اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفریده و قدرت استیلای او بر آب بود»

در اهمیت آب همین بس که حیات تمام موجودات (انسان، حیوان، نبات) وابسته به آن است، یعنی عدم آب مساوی است با نبود زندگی. وقتی از آب صحبت می‌شود، منظور تمام نهرها، رودخانه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها و باران‌ها می‌باشد.

درباره خلقت شگفت‌انگیز موجودات خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مِمَّنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ

مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (نور/ ۴۵)

«و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید پس پاره‌ای از آن‌ها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آن‌ها بر روی دو پا و بعضی از آن‌ها بر روی چهار [پا] راه می‌روند خدا هرچه بخواهد می‌آفریند در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست»

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخِرًا مِنْهُ حَبًّا

مُتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا

وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام/ ۹۹)

«و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هرگونه

گیاه برآوردیم و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و [نیز] باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم به میوه آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدن‌اش بنگرید قطعاً در این‌ها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه هاست»

یکی بیشه پیش آمدش پر درخت نشسته‌تنگه مردم نیکبخت
(فردوسی، ۱۳۷۵: ۳۸۳)

حیات دوباره طبیعت

یکی از مواردی که خداوند قدرت خود را به رُخ انسان می‌کشد و در قرآن به دفعات تکرار شده، زندگی دوباره طبیعت است. این طبیعت در مقطعی از سال سرد و بی‌جان است و باز حیات دوباره یافته و جان می‌گیرد. مواردی از این قبیل تذکری است برای انسان که در خلقت دوباره و قدرت خداوند بر انجام این کار، دچار شک و انکار نشود:

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا نَّفَاً سَفَّاهًا يَلْجَأُ الْبِلَادَ الَّتِي كَانَتْ تُرَاهِمُهَا فَأَنْزَلْنَا لَهُمُ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/ ۵۷)

«و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمت‌اش مژده‌رسان می‌فرستد تا آنگاه که ابرهای گرانبار را بردارند آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و از هرگونه میوه‌ای [از خاک] برآوریم بدین سان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می‌سازیم باشد که شما متذکر شوید»

منوچهری نیز در این باب می‌سراید:

از ابر، پیل سازم و از باد پیلبان وز بانگ رعد آیینه، پیل بی شمار
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۹۸)

آسمان در قرآن

وجود ۲۰۰ میلیارد کهکشان که تا کنون شناخته شده و ۴۰۰ میلیارد ستاره در کهکشان راه شیری که نسبت به دیگر کهکشان‌ها کوچک‌تر است، مانند خورشید، ماه

یک دعوت عمومی برای تماشا، تأمل و تأنی در این نمایشگاه طبیعی است که میزبان آن خداوند می‌باشد، مکان برگزاری بیابان‌های دور از شهرها و نورهای مزاحم و مصنوعی، زمان برگزاری شب، که ستارگان نورافشانی بیش‌تری دارند. انسان نقاشی خداوند است و نقاشی‌های دست انسان. نقاشی، نقاشی‌های خداوند است. نقاشی‌های انسان دید محدودی دارد و تک بعدی است، اما نقاشی‌های خداوند دارای ابعاد چند بعدی است. از جمله ویژگی ممتاز نقاشی‌های خداوند این است که دارای روح می‌باشند.

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

(سعدی)

منوچهری در این مضمون می‌سراید:

من و تو غافلیم و ماه و خورشید
بر این گردونِ گردان نیست غافل

(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۰۱)

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾ (ملک/۳)

«خدایی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در آفرینش آن بخشایش‌گر، هیچ گونه اختلاف و تفاوت نمی‌بینی. باز بنگر آیا خلل و نقصانی می‌بینی در آیه‌ای دیگر به جزئیات دیگری از آسمان و شگفتی‌هایش اشاره می‌کند»
﴿الْمُرْتَرُونَ كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾ (نوح/۱۶-۱۵)

«مگر ندیده‌اید که چگونه خدا هفت آسمان را تو بر تو آفریده است و ماه را در میان آن‌ها روشنایی‌بخش گردانیده و خورشید را چون چراغی قرار داده است»

اهمیت زمین

در باب زمین و اهمیت آن بیش از ۴۵۰ آیه در قرآن می‌باشد. اینکه خداوند زمین را قابل رویدن آفرید، بر اثر بارش باران و فرورفتن آن در زمین چشمه‌ها را به وجود آورد و

نیز زمین را کشیده و پهن آفرید، زمین را گهواره قرار داد. «خداوند زمین را از نظر وسعت، نحوه حرکت، تأمین امنیت از طریق کوه‌ها، تأمین آب مورد نیاز انسان‌ها و گیاهان و حیوانات، به بهترین شکل آفرید و خاک را بهترین وسیله برای از بین بردن زباله، آب‌های آلوده و دفن مردگان قرار داد و آن را نوعی تصفیه خانه با داشتن خاصیت میکروب‌کشی قرار داد. به نحوی که زمین آب آلوده را می‌گیرد و آب زلال تحویل می‌دهد، این تصفیه خانه طبیعی، مجانی و دائمی، عمومی و بدون نقص فنی است. راستی اگر زمین وجود نداشت، بوی بد و تعفن همه را آزار می‌داد» (قزائتی، ۱۳۹۲، ج ۱). ما در سیاره‌ای زندگی می‌کنیم که بیش‌تر سطح آن را آب پوشانده است؛ یعنی نزدیک به ۷۵ درصد از کره زمین (نزدیک به ۳۶۰ میلیون از ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع) همچنین ۶۷ درصد وزن ما را نیز آب تشکیل داده است، بنابراین باید قدر آن را دو چندان بدانیم. حدود ۱۵۰ میلیون سال پیش اولین موجودات زنده در زمین ظاهر شدند. حدود ۶۵ میلیون سال پیش نسل دایناسورها از بین رفت (کارتوئن، بی تا).

رنگ‌ها در قرآن

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره/ ۱۳۸)

«این است) رنگ‌آمیزی الهی و کیست بهتر از خدا در نگارگری؟ و ما تنها او را عبادت می‌کنیم»

رنگ‌ها در طبیعت به دو بخش تقسیم می‌شوند: ۱. رنگ‌های حزن آورند ۲. رنگ‌های شادی‌آفرین. رنگ‌های ملال آور مانند رنگ سیاه، در قرآن به انواع میوه‌های رنگارنگ اشاره شده است. اگر در طبیعت میوه‌ها و طعم آن‌ها، ابرها، باده‌ها، کوه‌ها، بیابان‌ها و سبزه‌ها یکنواختی رنگ وجود داشت، جذابیت و کشش معنی نداشت.

﴿الْمُرْتَأْنَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ﴾ (فاطر/ ۲۷)

«آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) بیرون آوردیم. و از بعضی کوه‌ها (رگه‌ها و) راه‌های سفید و سرخ، به رنگ‌های گوناگون و کاملاً سیاه (بیرون آوردیم)»

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ اللَّسَانِ وَاللَّوَانِ كَمَا فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (روم/۲۲)

«و از نشانه‌های الهی، آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست؛ همانا در این امر برای دانشمندان نشانه‌هایی قطعی است»
توانا و دانا و دارنده اوست خرد را و جان را نگارنده اوست
(فردوسی)

منوچهری در این باب سروده که:

فاخته راست به کردار یکی لعبگر است در فکنده به گلو حلقه مشکین رَسنا
سَمَن سرخ، به سان دو لب طوطی نر که زبانش بود زرّ زده در دهنها
نوبهار آمد و آورد گُل یاسَمنا باغ همچون تَبَت و راغ به سان عَدنا
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۷۶)

بر سر انگشت معشوقان نگر سبزی حنا بر سر انگشت سبزی بر سر و سبزی نه
(همان: ۱۲۷)

﴿الْمُرْتَأْنَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيَضٌ
وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبٌ سُودٌ﴾ (فاطر/ ۲۷)

«آیا ندانستی که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد. ما بدان آب میوه‌هایی با رنگ‌های گوناگون خارج ساختیم و نیز از کوه‌ها، راه‌ها و رگه‌های سفید، سرخ و به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه پدیدار نمودیم»
﴿وَمَا ذَرَأْنَا فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ (نحل/ ۱۳)
«و (همچنین) آنچه را در زمین با رنگ‌های گوناگون برای شما پدید آورد. البته در این آفریده‌ها برای پندگیران عبرت و نشانه‌ای روشن است»

منوچهری در این مضمون می‌گوید:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آنکه شکر یکی از هزار کرد
آن صانع لطیف که بر فرش کاینات چندین هزار صورت الوان نگار کرد
الوان نعمتی نشاید سپاس گفت اسباب راحتی که نشاید شمار کرد
(انوری، ۱۳۷۴: ۱۵۱)

باران

﴿الْمُرْتَأْنَ اللّٰهُ يُزِجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ
مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابِقُهُ
يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ﴾ (نور/۴۳)

«آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آن‌ها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود؛ و از آسمان - از کوه‌هایی که در آن است (ابرهایی که همچون کوه‌ها انباشته شده‌اند) - دانه‌های تگرگ نازل می‌کند، و هر کس را بخواهد به وسیله آن زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می‌کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشم‌ها را ببرد»

گهی برقش درخشنده، چو نور تیغ رخشنده

گهی رعدش خروشنده چو شیر شرز در پیدا

(مسعود سعد سلمان)

منوچهری:

چنانچون برگ گل بارد به گلشن

فرو بارید بارانی ز گردون

دراز آهنگ و پیجان و زمین کن

ز صحرا سیل برخاست هر سو

(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۰۹)

آسمان بر رَغم او در بوستان ظاهر شود

ابر هر زمان پیش روی آسمان بندد نقاب

باغ پُر گلبن کند، گلبن پر از دیبا کند

ابر آزاری چمن‌ها را پر از حورا کند

نوبهاران آب باران باغ را زیبا کند

ور ز دیده آب بارد بر رخ من گو بیار

تا همی ابر بهاری راغ را بُرنا کند

تا همی باد بهاران باغ را رنگین کند

(همان: ۹۴)

بخار آب خیزد ماه بهمن

چنان کز روی دریا بامدادان

(همان: ۱۰۸)

چو مار شکنجی چین و شکن

برآمد ز کوه ابر مازندران

جز این ابر و جز مادرِ زالِ زر
نزدند چونین پسرِ مادران
(همان: ۱۱۶)

چرخه آب، باد و باران

بر اساس تحقیقات انجام شده مقدار قطرات آب که از زمین بخار می شود مساوی و هم وزن میزان آبی است که از آسمان فرود می آید:

﴿وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ﴾ (زخرف/ ۱۱)
«همان کسی که از آسمان آبی فرستاد به مقدار معین، و به وسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم؛ همینگونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می سازند»
﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ﴾ (حجرا/ ۲۲)

«ما بادهای را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید»

منوچهری:

ابر آزاری برآمد از کنار کوهسار
باد فروردین بجنیبید از میان مرغزار
(همان: ۹۴)

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَيَتْرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ (روم/ ۴۸)
«خداوند کسی است که بادهای را می فرستد و ابری برمی انگیزد و آن را در آسمان، هرگونه بخواهد می گستراند و آن را بخش بخش می کند، پس می بینی که باران از لابه لای آن (ابر) بیرون می آید. پس هرگاه آن (باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند، به ناگاه آنان شادمان گردند»
به گونه ای که برای تشکیل ابرها، بادهای متعددی از جناح های سرد و گرم نقش دارند و از فوائد باد، زمینه سازی برای نزول باران است (قرائتی، ۱۳۹۲، ج ۷: ۲۱۳).

منوچهری نیز در این باب می‌سراید:

ابر بینی فوج اندر هوا در تاختن آب بینی موج موج اندر میان رودبار

(حاکمی، ۱۳۸۰: ۹۶)

﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُشِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا

كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ (اعراف / ۵۷)

«و خدا همان کسی است که بادها را روانه می‌کند پس [بادها] ابری را برمی‌انگیزند و [اما] آن را به سوی سرزمینی مرده رانندیم و آن زمین را بدان [وسیله] پس از مرگ‌اش زندگی بخشیدیم رستاخیز [نیز] چنین است»

دریا و قرآن

منظور از دیوار یا برزخ میان دو دریا همانا، گرما، شوری و غلظت (چگالی) می‌باشد یعنی غلظت یا مقدار نمک در آب شور بیش‌تر از آب شیرین می‌باشد. این غلظت مانع از بهم پیوستن یا مخلوط شدن آب شور و شیرین می‌شود.

﴿أَمْنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ

حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِذِي فَضْلٍ كَثِيرٍ لِّمَنْ يَعْلَمُونَ﴾ (نمل / ۶۱)

«یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه‌های ثابت و پابرجا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد(تا با هم مخلوط نشوند؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیش‌تر آنان نمی‌دانند(و جاهل‌اند)»

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ (الرحمن / ۱۹-۲۰).

«دو دریا(ی شور و شیرین) را روان ساخت که به هم می‌رسند(اما) میان آن دو فاصله‌ای قرار داد که به هم تجاوز نکنند»

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا

طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حُلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَازِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ﴾ (فاطر / ۱۲)

«دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین، لطیف (و) نوشیدن‌اش گواراست، و آن یکی، شور و تلخ است، ولی شما از هر دو گوشت تازه می‌خورید و زیور (و مروارید) بیرون می‌آورید و می‌پوشید. کشتی‌ها را در آن می‌بینی که امواج را می‌شکافند تا از فضل او (روزی) طلبید و شاید شکرگزار باشید»

قرآن آبراقیانوسی است که تمام اقیانوس‌های عالم (علوم بشری) در برابرش قطره‌اند.

اعجاز علمی قرآن

ستون‌ها و اهرم‌های نامرئی برای استقرار کرات و اجرام آسمانی، یعنی همان قوه جاذبه و نیروی گریز از مرکز می‌باشد، و آن‌ها دو قدرتی که رمز گردش کرات در مدار خود هستند. ویژگی مهم آسمان‌ها و کرات، معلق بودن آن‌ها و پایه‌های نامرئی آن‌هاست (قرآنی، ۱۳۹۲، ج ۷: ۲۳۶).

منوچهری در این خصوص می‌سراید:

این باغ و راغ مُلک ماه بود این کوه و کوهپایه و این جوی و جویبار
و لیکن ماه دارد قصدِ بالا فرو شد آفتاب از کوه بابل
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۰۱)

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾ (زلزال/ ۲-۱)

«هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، و زمین بارهای سنگین‌اش را خارج سازد»

بلرزیدی زمین، لرزیدنی سخت که کوه اندر فتادی زو به گردن
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۰۹)

﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾ (شمس / ۱)

«به خورشید و گسترش نور آن سوگند»

در این باره باید گفت که نور، بالاترین سرعت را در جهان ماده داراست و با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه می‌تواند در یک چشم بر هم زدن (یعنی کم‌تر از یک ثانیه) کره زمین را هفت بار دور بزند، و نیز نور آفتاب نابودکننده انواع میکروب‌ها و موجودات

موذی است و اگر تابش این نور پربركت نبود کره زمین، تبدیل به بیمارستان بزرگی می شد که همه ساکنان اش با مرگ دست به گریبان بودند (قرائتی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۱۸۷) و عناصر تشکیل دهنده جرم خورشید همانند عناصر تشکیل ساختمان زمین می باشد.

منوچهری در این باره می سراید:

پدید آمد هلال از جانب کوه
به سان زعفران آلوده مِحْجَن
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۰۹)

طبیعت، کتاب خداشناسی

طبیعت، از ماده «طبع» به معنای، نهاد، سرشت و حیات مادی است و در تعریف آن گفته اند که «طبیعت، شامل همه موجودات مادی، همراه با قوانین حاکم بر آنهاست و همچنین اجرام آسمانی و تمامی اجسام اطراف ما را هم شامل می شود. مصادیق طبیعت، عبارت اند از زمین، آسمان، کوه، دشت، دریا، رودخانه ها، حیوانات، گیاهان، ابرها، بادهای و روابط و قوانین حاکم بر آنها».

این پسر چون پدر آمد به سرشت و به نهاد

تخم چون نیک بود نیک پدید آرد بر

(فرخی سیستانی)

و به قول شیخ اجل سعدی:

آفرینش همه تدبیر خداوند دل است
دل ندارد، که ندارد به خداوند اقرار
کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند
نه همه مستمعی، فهم کند این اسرار

منوچهری نیز در این باب به صورت نغزی می سراید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار
(انوری، ۱۳۷۴: ۱۷۵)

مسأله معاد و زندگی دوباره و حشر و نشر انسان پس از مرگ، از مسائل پیچیده ای است که همواره در طول تاریخ، ذهن بشر را به خود، مشغول داشته است. از این رو، قرآن، یکی از اهداف مهم خود را توجه دادن انسان به حیات دوباره قرار داده است. چنانکه با اراده خداوند، حرکت ابر و باد و ریزش باران، زمین مرده را زنده کرده و گیاهان

سر از خاک برمی‌آورند، با اراده‌ای دیگر و وقوع زلزله‌ای عظیم، مردگان از خاک برمی‌خیزند و زنده می‌شوند.

بهار در قرآن

آیات فراوانی در قرآن از مردن زمین و زنده کردن آن به قدرت الهی، سخن می‌گوید. و به دو فصل زمستان و بهار اشاره می‌کند، در زمستان زمین و درختان به خواب رفته و می‌میرند و در فصل بهار، با باریدن باران و وزش باد بهاری، خدا زمین را زنده می‌کند. منوچهری در این خصوص می‌سراید:

من نروم نیز بهاری کنم
بر رُخس از مدح نگاری کنم
(حاکمی، ۱۳۸۰: ۱۴۲)

بهاری بس بدیع است این، گرش با ما بقا بودی

و لیکن مندرس گردد به آبان‌ها و آذرها
(همان: ۷۹)

طبیعت همواره یکی از خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های هنر بوده است. ژراردر *نروال* می‌گوید: «آن که برای نخستین بار روی خوب را به گل تشبیه کرد، شاعر است و دیگران مقلد او» (کدکنی، بی‌تا). منوچهری می‌سراید:

نوبهاران، بستای ابر گریان را
که از گریه اوست این جهان خندان
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۲۶)

منوچهری در طبیعت بی‌جان حرکت و جنبش ایجاد می‌کرد:

ابر سیاه، چون حبشی دایه‌ای شده است

باران چون شیر و لاله ستان کودکی به شیر
(منوچهری، ۱۳۸۴: ۲۳۰)

نتیجه بحث

آشکارترین درس طبیعت، نمایش تابلوی کوچکی از رستاخیز الهی است. به گونه‌ای که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «خدا همان است که بادهای را فرستاد که ابر را

برمی‌انگیزد و ما به سرزمینی مرده رانندیمش و زمین را پس از مردن‌اش زنده ساختیم؛ رستاخیز مردگان نیز چنین است». یکی از نیازهای انسان و طبیعت امروز، اخلاق و فرهنگ رفتار با محیط زیست است. این نیاز، رساترین پیام روز طبیعت نیز قلمداد می‌شود. طبیعت، فقط گل‌های زیبای بهاری نیست. خشک‌ترین کویری نیز که هرگز باران ندیده، یکی از جلوه‌های بی‌نظیر طبیعت است. عظمت و شکوه بیابان‌های پر از خار، کم‌تر از لطافت سبزه‌زارها نیست. همه موجودات روی زمین کوشیده‌اند به قانون‌ها و نظام طبیعت گردن نهند و خود را با آن سازگار سازند. تنها انسان است که می‌کوشد از قانون‌های طبیعت فرمان نبرد و بر عکس، آن را زیر فرمان خود درآورد.

روز سیزدهم فروردین، پیشینه‌ای باستانی در فرهنگ ایرانی دارد و اختصاص نام طبیعت به این روز، با این فرهنگ بی‌ارتباط نیست. ایرانیان همچنان از گذشته تا کنون در آغاز هر سال خورشیدی، پس از دوازده روز جشن گرفتن، روز سیزدهم نوروز را به باغ و بستان می‌رفتند و در دل طبیعت با یکدیگر دیدار می‌کردند. البته در فرهنگ هر ملت، آداب و رسومی دیده می‌شود که یادگار نسل‌های گذشته است.

در قرآن شفاعت نیز خالق این مخلوق قدرت‌نمایی می‌کند و می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْأُبْرُ وَالْبُحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم/ ۴۱): «به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمال‌شان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند». امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود: «حیات جنبندگان در خشکی و دریا وابسته به باران است که اگر باران نبارد، در خشکی و دریا فساد می‌شود و همین که گناهان انسان زیاد شد، باران نازل نمی‌شود».

کتابنامه

قرآن کریم (ترجمه آیت الله مشکینی).

ابراهیم زاده، عیسی. ۱۳۸۹ش، سیستان مرکز نیمروز واقعی، زاهدان: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان.

امامی افشار، احمد علی. ۱۳۸۳ش، گزیده اشعار منوچهری دامغانی، چاپ دهم، تهران: انتشارات پردیس.

انوری، حسن. ۱۳۷۴ش، غزلیات و قصاید سعدی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

انوشه، حسن. ۱۳۸۱ش، فرهنگنامه‌های ادب فارسی، ج ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حاکمی، اسماعیل. ۱۳۸۰ش، رودکی و منوچهری، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۴ش، با کاروان حله، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. بی تا، صور خیال در شعر فارسی، بی جا: بی نا.

شمیسا، سیروس. ۱۳۸۳ش، انواع ادبی، ج ۱۰، تهران: انتشارات فردوسی.

صفا، ذبیح الله. ۱۳۷۱ش، ادبیات در ایران، ج ۱، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات فردوس.

عاملی، حر. ۱۱۰۴ق، وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البیت.

عرب، یاسر. ۱۳۸۸ش، کلیات صحیفه کامله سجادیه، تهران: انتشارات امین.

فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۷۵ش، شاهنامه، تهران: انتشارات مهارت.

فضلان ام خالد و جوان ابراین. ۱۳۷۸ش، اسلام و محیط زیست، ترجمه اسماعیل حدادیان، مشهد: آستان قدس رضوی.

قزائتی، محسن. ۱۳۹۲ش، تفسیر نور، تهران: انتشارات اوقاف.

کارتونن، هانو. بی تا، مبانی ستاره‌شناسی، ترجمه غلامرضا شاه‌علی، شیراز: انتشارات شاهچراغ.

کلینی رازی، محمد بن یعقوب. ۱۳۲۹ق، اصول کافی، قم: انتشارات علمیه اسلامیة.

مجلسی، محمدباقر. ۱۳۰۷ش، بحار الأنوار، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

محللاتی، ذبیح الله. ۱۳۷۵ش، قضاوت‌های حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)، تهران: انتشارات قائم نوین.

معین، محمد. ۱۲۹۱ش، فرهنگ فارسی معین، تک جلدی، تهران: انتشارات فرهنگ نما.

نصر، سید حسن. ۱۳۸۴ش، دین و نظام طبیعت، ترجمه محمد حسن غفوری، تهران: انتشارات حکمت.

نفیسی، سعید. ۱۳۸۲ش، محیط زندگی و شرح و احوال رودکی، ج ۴، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نوری طبرسی، میرزا حسین. ۱۳۲۰ق، **مستدرک الوسائل**، قم: انتشارات آل البیت.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۶۳ش، **تفسیر راهنما**، قم: انتشارات بوستان کتاب.

مقالات

ظریفی، حسین و سید مهدی رحیمی. ۱۳۹۲ش، «مقایسه وصف طبیعت در اشعار منوچهری و سعدی»، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
عموزاده مهدیرجی، جعفر و محمد شایگان مهر و فریبرز حسین‌جانزاده. ۱۳۹۶ش، «بررسی تطبیقی وصف طبیعت در اشعار ابن خفاجه و منوچهری»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۳۵-۱۵۶.
مجله حدیث زندگی، مرداد و شهریور ۱۳۸۶ش، شماره ۳۶.
مجیدی، حسن و سامان شیخه. ۱۳۸۹ش، «وصف طبیعت در دیوان ابن رومی و منوچهری»، پنجمین همایش زبان و ادبیات فارسی.

Bibliography

- The Holy Quran (translated by Ayatollah Meshkini.)
Ebrahimzadeh, Iesa (2010 AD). The Center of Real Nimrooz Center, Zahedan: Publications of the Cultural Heritage Bureau of Sistan and Baluchestan .
Anvari, Hasan (1374). Lyrics and poems Saadi, Tehran: Payame Noor University Press .
Anousheh, Hasan (1381). The Culture of Persian Literature V 2, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance publications.
Amami Afshar, Ahmad Ali (2007). Selected Poems by Manouchehri Damaghani, Tenth Edition, Tehran: Pardis Publishing.
Hakami, Ismail (2001). Roodaki and Manouchehri, Tehran: Payame Noor University Press .
Zarin Koob, Abdolhossein (1374). With Caravan Hilla, Tehran: Tehran University Press, No. 39.
Nasr, Seyyed Hasan (2005 .)
Sha'ar, Ja'far (2003). Ayewan Exploration, V 3, Tehran: Ghatre Publications .
Shafiye Kadakni, Tire of Fate in Farsi Poetry, Bitā, Bina.
Shamisa, Sirous (2004). Literary Forms, Vol. 10, Tehran: Ferdowsi Publications .
Saba, Zabihollah. (2004). Literature in Iran, V. 1, 12th edition, Tehran: Ferdows Publications.
Zarifi, Hossein Rahimi, Seyyed Mahdi (2013). Comparison of the explanation of nature in the poems of Manouchehri and Saadi, 7th Conference on Persian Language and Literature
Abdolazi, Abolghasem (1996). Shahnameh, Tehran: Maharat Publishing .
Mohammad Rezaei, Mohsen (1392 AD). Tehran University of Technology: Ughaf Publishing

Kartounen, Hanoi, Bi Ta. Astronomy Basics . The translation of Gholamreza Shah Ali. Shiraz: Shah Cheragh Publications .

The Hadith of Life, Mordad and Shahrivar (. 2007). Number 36.

Majidi, Hassan. Shikheh, Saman (2010). Description of Nature in the Divan Rumi and Manoochehri. The Fifth Persian Language and Literature Conference.

Mahdieri's Works, Jafar Shayegan Mehran, Mohammad Hosseinjanzad, Fariborz, 1396, Comparative Study of Nature in Ibn Khufafe and Manoochehari's Verses, Comparative Studies, vol. 43, pp. 135-156 .

Mahalaty, Zabih Allah (1375). The judgments of Imam Ali (AS). Tehran: Qa'im Novin Publications.

Moein, Mohammad (1391). Persian Moein Culture, (single-volume). Tehran: Farhang nama Publishing.

Nafisi, Sa'id (2003). The Environment of Life and Descriptions of Roodaki, 4th ed., Tehran: Amir Kabir Publishing.

Hashimi Rafsanjani, Akbar. (1363 AD). Study Guide, Qom: Boostan Publishing Book .

Arabic sources:

Arab, Yaser (2009), Generals of Sahifeh Kamaleh Sajjadih, Tehran: Amin Publishing .

Fazlan Am-Khalid and Javan Obrin (1999), Islam and the Environment, translated: Ismail Haddian, Mashhad: Astan Quds Razavi. 26.Aameli, Hor. (1104 AH). Vasael Al-Shi'a, Qom: Publications, Al-Al-Bait.

Clini Razi, Mohammed ibn Ya'qub (239 AH) Principles of Qa'af, Qom: Islamiyah Ilmeiah Publications .

Mohammad Bagher (1307 AD). Bharalanavar, Tehran: Publishing Islamiyah Dar al-ketab.

Nouri, T., Mirza Hossein (1320 AH). The Ministry of Science and Technology, Qom.

